

هفته نامه راه کارگر

نشریه سیاسی - خبری کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

سردبیر : آرش کمانگر شماره 209 یکشنبه 14 تیر 1383 4 جولای 2004

پیام اتحاد چپ کارگری ایران
بمناسبت برگزاری پانزدهمین کنفرانس بین المللی
سالیانه بنیاد پژوهش های زنان ایران
در صفحه 6

برنامه های کنفرانس سه روزه بنیاد
پژوهشهای زنان ایرانی در برلین
در صفحه 7



نتایج انتخابات پارلمانی کانادا
آرش کمانگر

در صفحه 5

« اخبار و گزارشات »

- * تظاهرات 18 تیر در ونکوور
- * تظاهرات 18 تیر در پاریس
- * سمینار دو روزه در گوتنبرگ
- * مراسم 18 تیر در استکهلم
- * تدارک مراسم هیجده تیر در تهران
- * مراسم یادبود اولین سالگرد قتل زهرا کاظمی، در مونتریا کانادا
- * فراخوان جدید پرستاران برای برپایی تجمع اعتراضی در 4 مرداد

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان به مناسبت

پنجمین سالگرد خیزش
دانشجویی - مردمی هیجده تیر!

در آستانه هیجده تیر قرار گرفته ایم. پنج سال قبل در چنین روزهایی، ایرانیان و جهانیان شاهد شش روز پر التهاب بودند. روزهایی که برای همیشه در تاریخ سیاسی ایران ثبت گشته اند. خیزش دانشجویی و مردمی روزهای 18 تا 23 تیر 78، بدون شک یکی از نقاط عطف چالش یکصد ساله مردم کشورمان برای آزادی و رهایی بود. جنبش پر شور و غرور آفرینی که می تواند شانه به شانه انقلاب مشروطیت، نهضت ملی شدن نفت، جنبش دانشجویی 16 آذر 32، انقلاب 57 و... بایستد و با صلابت بانگ زند که خیزش شش روزه او در به نمایش گذاشتن عزم مردم تشنه آزادی و برابری برای در هم پیچیدن بساط استبداد و بی حقی عمومی، ابداً چیزی از آن جنبش ها کم ندارد. به همین خاطر در چهار سال گذشته، جنبش دانشجویی و جوانان و توده های مبارز، سعی نمودند که سالگرد آن خیزش را با شکوه هرچه بیشتر برگزار نمایند.

بقیه در صفحه 2



نگذاریم مردم بم و این کمک ها فراموش شود!
= گفتار دوازدهم =

امیرجوهری ننگرودی amir_l@hotmail.com

(درمورد مسائل مالی و کمک های ارسالی جهان
و ایران به مردمان بم بیشتر بدانیم)

در صفحه 3

ادامه اعلامیه سازمان بمناسبت 18 تیر

* با ما ارتباط بگیرید *

سر دبیر هفته نامه

arash.k@rahekargar.net

روابط عمومی سازمان

public@rahekargar.net

تلفن عمومی سازمان

49-40-6777819

شماره فاکس سازمان

33-1-43455804

سایت رادیو برابری

www.radiobarabari.net

سایت راه کارگر

www.rahekargar.net

سایت اتحاد چپ کارگری

www.etehadchap.com

فراخوان جدید پرستاران برای برپایی تجمع اعتراضی در روز چهار مرداد

رییس سازمان نظام پرستاری اعلام کرد: سازمان نظام پرستاری قصد دارد، تجمع بزرگ اعتراض آمیز پرستاران را در تاریخ 4 مردادماه 83 در تهران برگزار کند.

غضنفر میرزابیگی، رییس سازمان نظام پرستاری، در گفت و گو با خبرنگار سرویس اجتماعی ایلنا، گفت: تجمع پرستاران در اعتراض به کمبود شدید نیروی پرستاری، اجرای خصوصی سازی بیمارستانها، ساعات کار زیاد، محاسبه نشدن پرستاری جزو مشاغل سخت، عدم تعرفه گذاری خدمات پرستاری، تبعیض در پرستاری و بیکاری آنها خواهد بود. وی افزود: تمام پرستاران با هماهنگی هیأت مدیره های نظام پرستاری هر شهرستان آماده حضور و مطالبه حقوق از دست رفته خود در تهران و در مکانی که در اطلاعیه های بعدی اعلام می شود، باشند. به گفته میرزابیگی، تمام راهها و پی گیری های سازمان در یک سال و نیم گذشته بررسی شد و چون نتیجه قابل توجهی نداشته ناچار به برگزاری تجمع هستیم.

به همان میزان که دانشجویان و مردم برای فرا رسیدن سالگرد 18 تیر روز شماری می کنند، جمهوری اسلامی در هول و هراس فرو میرود و برای ممانعت از برگزاری آن، از هفته ها قبل اعلام آماده باش می نماید. آنها سال گذشته در حالیکه از همان اواسط خرداد ماه خود را برای مقابله با چهارمین سالگرد هیجده تیر آماده میکردند، به چشم خود دیدند که چگونه جنبش دانشجویی و جوانان، از شامگاه 20 خرداد- ابتدا در تهران و سپس در اکثر شهرهای بزرگ ایران- بمدت ده روز خیزش سراسری پرشوری را سازمان دادند.

اما امسال سردمداران رژیم، امیدوارند که بدنیاال پیشروی محافظه کاران در دستگاه حاکمیت و بدست گرفتن مجلس هفتم و نیز بهره برداری از ضعف و پراکنده گی اپوزیسیون دمکرات و عدالت خواه در داخل و خارج از کشور و حالت سر درگمی در جنبشهای اجتماعی و خلأ سازماندهی، و همچنین برخی پارامترهای بین المللی نظیر غیر افتادن آمریکا در " باتلاق عراق " و افزایش بهای نفت (که به معنای تقویت بنیه مالی رژیم جهت تر و خشک کردن بیشتر قوای سرکوب خواهد بود) فضای سیاسی جامعه را به رخوت کشیده و مانع از ابراز وجود دانشجویان و مردم در سالگرد حماسه 18 تیر شوند.

طبیعی ست که در چنین شرایطی، نسخه پیچی از خارج برای دانشجویان و مبارزین داخل کشور، مفهومی ندارد. جنبش دانشجویی و مردمی ایران، خود بهتر میدانند که با توجه به شرایط سیاسی، توازن قوا و امکانات موجود، چه شکل یا اشکالی از مبارزه را برای گرامی داشت 18 تیر وکلاً تداوم جنبشهای اجتماعی برگزینند.

اما صرف نظر از اینکه در داخل کشور ما با چه نوعی از مبارزه و نافرمانی مدنی مواجه شویم، در خارج از کشور، وظیفه همه نیروهای چپ و مترقی است که با برگزاری هر چه باشکوهتر پنجمین سالگرد خیزش انقلابی تیر ماه 78، نگذارند رژیم جنایتکار اسلامی به آرزوی خود که همانا جلوگیری از پژواک خواستها و مبارزات حق طلبانه مردم ایران است دست یابد. از اینرو ما از همه نیروهای دمکرات و برابری طلب دعوت می کنیم که از طریق همکاری و اتحاد عمل، کارزار وسیعی را در سالگرد 18 تیر از کران تا کران این کره خاکی بپا کنند. دانشجویان، جوانان و زحمتکشان ایران، بیش از هر زمان به تلاش و یاری ما نیاز دارند تا صدای حق طلبانه خود را به گوش جهانیان برسانند. این همبستگی بین المللی را از آنها دریغ نکنیم!

گرامی باد سالروز خیزش هیجده تیر
سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

30 ژوئن 2004 - 10 تیر 1383

نگذاریم مردم بم و این کمک ها فراموش شود! = گفتار دوازدهم =

امیرجوهری لنگرودی amir1@hotmail.com

(در مورد مسائل مالی و کمک های ارسالی جهان و ایران به مردمان بم بیشتر بدانیم

چه کس و کسانی پاسخگوی اینهمه درد ورنج مردم بم می باشند؟

بعد از ۶ ماه از فاجعه دهشتناک بم، هنوز در اول راه ایم. کمک های جنسی به مردمان بم قطع شده است. دارو درمانی در کار نیست. بیمارستان های تخریب شده بم همچنان در کنار بلوار اصلی شهر باقی مانده است. هنوز بیمارستانهای کرمان تنها محل پاسخگویی بیماران بمی است. در خود شهر هنوز بیست تخت بیمارستانی و درمانی وجود ندارد. از آب و بهداشت و آب معدنی اثری نیست. هنوز آواربرداری به صورت بطئی پیش می رود. کمکهای جنسی و خواروبار قطع شده است و به دست مردم دفترچه ارزاقی داده اند تا به انتظار بمانند! همه قول و قرارها به فراموشی سپرده شده و در طول شش ماه آمار اعلام نشده خودکشی های بیش از ۴۰۰ مورد دهان به دهان می گردد. اعتیاد در نزد مردم بم به عنوان یکی

از «کارسازترین» عنصر به رخت کشاندن اهالی از بیرون جوان بیداد می کند. همه مسئولین چشم خود را در برابر گسترش این آسیب خانمان سوز بسته اند. به گفته یکی از جوانان پرتلاش بمی، اگر در گذشته قیمت یک لول تریاک ۵۰۰۰ تومان بود امروز در کوچه و پس کوچه های بم و اطراف به ۲۰۰۰ تومان رسیده و خرید و فروش می گردد. در کشوری که همه چیز سیروسعودی تورم را با خود به همراه دارد تریاک سیر نزولی طی می کند تا در گسترده ترین شکل ممکن در دسترس همه گان باشد! و این خود یک سیاست دولتی است که همه چیز را در برابر چشم مردم و در نزد چشمان مضطرب خانواده به انحطاط بکشد. هیچ کس هم جوابگوی حل این معضل اجتماعی نیست. همه برای به فراموشی سپردن شدن ارکان زندگی در نزد مردم، چشم های کور خود را در برابر این ظلم سوزان بسته اند و این همه تشکیلات های ریز و درشت کشوری و لشکری بابتی عملی و خنثی مانند شان، می کوشند دست عاملین به انهدام نسل به جامانده از زلزله را از راه تریاک و اعتیاد بازیگه دارند تا نسلی رابه نابودی بکشاند!

قرار بود اسکان مردم در پایان ماه اردیبهشت فراهم آید و این در شرایط تیرماه ۸۲ به گزارش مطبوعات

کشور «حدود ۲۰ درصد از زلزله زده گان بم هنوز در چادرهای خود زندگی می کنند» (روزنامه

شرق، پنجشنبه ۴ تیر ۱۳۸۲، شماره ۲۲۳) همین روزنامه خبر می دهد: «احداث شهرک های خارج از شهر بم در حالی اتفاق افتاد و همچنان خالی باقی مانده که در همان روزهای نخستین احداث شهرک، رئیس اداره بهداشت و روان، وزارت بهداشت به طور رسمی اعلام کرد در صورت ساخت این شهرک ها، اهالی بم حاضر نخواهند شد چادر های نصب شده روی زمین های خود را رها کرده و در شهرک ها اقامت کنند» همین مرجع می افزاید: «اتفاق های ساخته شده

مناسب اسکان نیست ۱۰۰۰ این اتفاق ها که عموماً فاقد قدرت ایستایی و ایمنی لازم است و برای هر کدام از آنها دو میلیون و ۵۰۰ هزار تومان از حساب بمی ها کسر کرده اند بدون حضور و نظارت مهندس ناظر از سوی پیمانکار به مردم تحویل داده شده است» و این در حالیست که: «کمیته امداد به عنوان یک نمونه و سمبل در یکی از خیابانهای شهر اقدام به ساخت منزلی آجرنما کرده است که تنها ساختمان تازه ساز شهر محسوب می شود» (همان ماخذ پیشین) در این زمینه تازه ترین گزارشی که انتشار پیدا کرده، آمده است: «توماس شاخارشتیک سوئیس که در بم حضور دارد میگوید: در برابر این ساختمان سازی ها، چیزی که من نمی دانم این است که دیوارهای این ساختمان ها چگونه قرار است به سقف و اسکلت مربوط شوند. چرا که اگر این دیوارها درست چیده نشوند، این سقف نیست که روی مردم می ریزد بلکه دیوارهاست که کشته می گیرد» (روزنامه شرق، پنجشنبه ۲۸ خرداد ۸۲، ش ۲۱۷) هنوز یاد از چشم براهی و سرگردانی و آسیب پذیری مردم بم صحبت کرد. توگویی همه چیز فراموش شده است. دست ها از آسمان کوتاه و در روی زمین نیز پاسخگویی نیست!

کمک های انسانی، مالی و جنسی داخل و خارج به کجا سرازیر شده و آیا پولی در بساط است؟ در این فصل بد نمی بینم از یاری های طبقات و اقشار مختلف مردم کشورمان، که از همان روزهای اول به بیدریغ ترین شکل ممکن به حمایت مردمان آسیب دیده بم برآمده اند صحبت کنم!

مطبوعات داخل کشور و رسانه گروهی گزارش می دهند: _ روزنامه اعتماد گزارش می دهد: «... معمولاً در ساعت اولیه وقوع چنین فاجعه ای مردم نمی توانند چه باید بکنند. اما مردم مابطور خود جوش برای کمکی هر چند کوچک و ناچیز به سوی پایگاههای انتقال خون هجوم بردند. اهدای خون هر چند که کمکی ناچیز باشد اما می تواند وسیله ای باشد برای دستگیری از مجروحان و مصدومان، پایگاههای انتقال خون شهرمان پر از آدم می شود، حتی آن قدر اهداء کننده گان زیاد می شوند که تشکیل صف های کیلومتری از نخستین تبعات هجوم مردم، برای یاری هموطنان آسیب دیده شان به شمار می رود. انگار مسابقه ای خود جوش برپا شده است تا هر کس هر آنچه که در وجود خود دارد، تقدیم مصیبت زده گان بمی کند. ساعت ها تبدیل به روزها می شود. اما ذره ای از این جمعیت کم نمی شود... سرانجام اعلام می شود که در حال حاضر هیچ کمبود خونی وجود ندارد» (روزنامه اعتماد، دوشنبه ۸ دی ۸۲، شماره ۴۴۶) _ روزنامه همشهری می نویسد: «مدیرکل پایگاه انتقال خون تهران اعلام کرده است: در روز نخست ۴ هزار نفر از مردم تهران خون اهداء کرده اند.» (روزنامه همشهری دوشنبه ۸ دی ۸۲، ش ۳۲۶۶)

_ روزنامه اعتماد می نویسد: «بگذارید چیزی هم از مردم خوش طینت کرمان بنویسم. عزای عمومی را روز شنبه باید در کرمان می دیدی. هر که ماشینی داشت، پراز کسرو و عذا و آب و پوشاک کرده و راهی بم شده بود. مغازه ها، سازمان ها و موسسات همه بسته بود. کسی در شهر نمی خندید» (روزنامه اعتماد، دوشنبه ۸ دی ۸۲، ش ۴۴۶) _ روزنامه اعتماد گزارش می دهد: «در یکی از این پایگاهها

نگذاریم " بم " فراموش

پیرزنی با گام های لرزان، پتویی راکشان کشان با خود می آورد. می گوید: تنها همین یک پتوی نورا دارد که به مردم مصیبت زده بم اهداء می کنم. ۰۰۰ پیرزن ادامه می دهد: «که قصد عزیمت به عتبات عالیات راداشته است اما به محض شنیدن خبر این فاجعه بزرگ، تمام پولی را که برای رفتن به کربلا معلی در نظر بود، به زلزله زده گان اهداء می کند.» (روزنامه اعتماد، همان مآخذ پیشین)

خبرگزاری کار ایران، ایلنا گزارش داد: «علیرضا محجوب اعلام کرد: حقوق یک روز کارگران کشوریه زلزله زده گان بم اختصاص می یابد» وی ادامه داد: «خانه های کارگر کمک های غیرنقدی مردم را جمع آوری کرده و از طریق کمیته امداد و بهزیستی به منطقه اعزام می کنند» (ایلنا، شنبه ۶ دی ۱۳۸۲)

خبرگزاری کار ایران، ایلنا گزارش می دهد: «بدنبال کمک های کارگران استان گیلان به زلزله زده گان بم، کارگران کارخانه «زمزم رشت» یک روز حقوق و کارگران شرکت «ایران رادیاتور» علاوه بر ارسال یک دستگاه خاور موکت و انواع شوینده، مبلغ ۵ میلیون تومان به آسیب دیده گان زلزله کمک کردند. صد نفر از کارگران این واحد، خون خود را نیز اهداء کردند» (ایلنا، شنبه ۲۵ بهمن ۱۳۸۲)

خبرگزاری ایرنا مینویسد: «کارکنان دانشگاه تهران نیز یک روز حقوق خود را به زلزله زده گان اختصاص دادند» (ایرنا، سه شنبه ۵ دی ۱۳۸۲)

روزنامه همشهری به گزارش روابط عمومی شهرداری تهران خبر می دهد: «از طریق مدیران و کارکنان شهرداری تهران و سازمان ها و شرکت های تابعه و به ترتیب، سه روز و یک روز از حقوق خود را به امر امداد رسانی به زلزله زده گان شهرستان بم اختصاص دادند. ۰۰۰ کمک های مالی حدود دو میلیارد ریال بر آورده شده است» (روزنامه همشهری، پنجشنبه ۱۱ دی ۱۳۸۲، ش ۲۳۶۹)

روزنامه شرق می نویسد: «همه کارکنان سازمان نظام پزشکی، در آمیک روز حقوق خود را به زلزله زده گان استان کرمان اختصاص داده اند» (روزنامه شرق، یکشنبه ۷ دی ۱۳۸۲، ش ۱۰۰)

ایضا روزنامه شرق گزارش می دهد: «کمک های نقدی معادل ۱۰۸ میلیون ریال توسط واحدهای تابعه وزارت بازرگانی تهیه و به منطقه ارسال شده است» (روزنامه شرق، پنجشنبه ۱۱ دی ۱۳۸۲، ش ۱۰۴)

سایت خانه ملت می نویسد: «کارکنان مجلس شورای اسلامی، بخشی از حقوق خود را برای کمک به آسیب دیده گان بم اختصاص دادند» و در ادامه اعلام می دارد: «نماینده گان مجلس شورای اسلامی ده (۱۰) روز حقوق خود را به آسیب دیده گان حادثه بم اختصاص دادند» (سایت خانه ملت، شنبه و یکشنبه، ۶ و ۷ دی ۱۳۸۲)

علیرضا تقفی گزارش میدهد: «ماروز سه شنبه بایک کامیون حامل ۱۵ تن کالای اهدایی مردم به بم حرکت کردیم» و در همانجا می نویسد: «شنبه ۲۰ دی ۸۲، امداد اسلامی مبلغ ۲۰ میلیون ریال جهت خرید وسایل مورد نیاز کمپ شادی پرداخت نمود و علی آقایی و علی د مامور خرید وسایل از کرمان شدند» (به نقل از سایت اخبار روز، سه شنبه ۱۶ اسفند ۸۲، www.iran-chabar.com)

روزنامه شرق نوشت: «محمود اولیاء قصد دارد تا ۳۰ هزار دلار از دارایی اش را برای ساخت دو خانه یک خوابه خرج کند» (روزنامه شرق، پنجشنبه ۱۱ دی ۸۲، ش ۱۰۴)

طی گزارش مشترک آمده است: «مراجعه به کرمان، انبار توشه راه آهن و وصول ۳۷ کارتن کتاب و دو بسته قفسه های کتاب ۰۰۰ کتاب ها به اردوگاه منتقل شد» (گزارش مشترک از سفر به بم، ۱۴ بهمن ۸۲ (www.showra.com)

بنا به گزارش ایرنا آمده است که بلندترین کیک جهان توسط اتحادیه صنف قنادان شهر ساری در شمال ایران برای یاری به کودکان بم در دست ساختن است. محمد حسین مصطفی پور یکی از مسئولان اجرایی سازنده این کیک روز یکشنبه ۹ بهمن ۸۲ به ایرنا گفت: «این کیک ۲۰۰ طبقه، دارای هفت تن وزن است و رنگ های اصلی آن به رنگ پرچم جمهوری اسلامی است و ۱۵ نفر قنادان زنده، به طور مستقیم و گروه دیگری از قنادان غیر مستقیم در ساخت این کیک بزرگ مشارکت دارند» وی افزود: «عوااید حاصل از فروش بلیط مراسم پرده برداری از این کیک به کودکان بم و استان مازندران اختصاص داده می شود» مصطفی پور اعلام داشت: «بلند ترین کیک جهان به ارتفاع ۱۸ متر قبل از تریبش ساخته شده است» حداقل شاید از این راه کمکی برای کودکان بی سرپرست بم جمع آوری شود. محموله های صدوسی هواپیما گول پیکر خارجی و صدها میلیون دلار کمک نقدی کشور های مختلف جهان که غیب شد» (گزارش ایرنا به نقل از سایت پیک ایران (www.peykeiran.com)

به گزارش سایت انترنیتی تریبون آمده است: «انجمن علمی فرهنگی یاری با انجمن هماباهمکاری یکدیگر بازاری فروش برفع زنان باردار و شیرده زلزله بم تدارک دیده اند. در این بازار مواد غذایی خانگی، پوشاک، پارچه و کارهای دستی به معرض فروش گذارده خواهد شد. این بازار قرار است روز جمعه ۲۲ خرداد ۱۳۸۲ از ساعت ۱۰ صبح الی ۶ بعد از ظهر در شهرک غرب برگزار شود. شما با خرید مایحتاج خود از این بازار به حرکت جمعی زنان به نفع زلزله زدگان یاری رسانید» (سایت تریبون فمینیستی ایران، ۲۱ خرداد ۸۲، www.iranianfeminists.com)

آیا این چنین کمک های پر شمار اتحاد جامعه شهری و روستایی ایران به دست مردم مستمند بمی رسیده است؟ اگر آری چگونه و اگر نه چرا؟ و در این میان چه کسی و کسانی پاسخگوی این امر می باشند؟

می پرسیم: آیا رواست که کمک های این چنینی مردمان را به جیب زدن و آنرا به دست صاحبان اصلی و نیازمندان نرسانند؟ یاری این چنین خالصانه پیرزنی را به یغما بردن رادرجای اخلاق اسلامی و معنوی و کرامت آئینی تان باید جای داد؟

دیدن این صحنه ها در آن روزهای پرتب و تاب بر روی صفحه های تلویزیون های جهان، آن قدر قشنگ و زیبا می نمود که شاید هیچ لذتی با آن برابری نمی کرد

• مردم ماثبات کرده اند که به گاه لزوم از واگذاری هیچ چیز دریغ نمی ورزند و برای کمک به هموطنان خود، حتی جان شان را هم در طریق اخلاص می گذارند. ۰۰۰ ولی آیاتابه امروز، حاکمین وقت به این همه از خود گذشتگی های مردمان کشورمان دریاری رسانی به آسیب دیده گان بم پاسخ بایسته ای داده اند؟ در یک کلمه نه!

چرا که تا به امروز کسی خود را پاسخگوی ابهامات و پیچیده گی ها و انتظارات مردم آسیب دیده منطقه بم در هیکل هیچ مقام مسئول معرفی نمی کند.

پنجشنبه ۱۱ تیر ۱۳۸۳

(ادامه دارد)

نتایج انتخابات پارلمانی کانادا

آرش کمانگر

روز دوشنبه 28 ژوئن انتخابات سراسری کانادا برای گزینش 308 کرسی پارلمانی برگزار شد و همانطور که در مطلب شماره قبل پیش بینی شده بود ، هیچ حزبی نتوانست اکثریت مطلق را بدست آورد ، اما حزب حاکم لیبرال توانست بیش از تخمین های پیش از انتخابات ، کرسی بدست آورد . این حزب با بدست آوردن 135 کرسی بدون شک مسئول تشکیل " دولت اقلیت " خواهد بود . حزب جدید محافظه کار با 99 کرسی ، بلوک کبک با 54 کرسی و نیو دمکراتها (دارای گرایش سوسیال دمکراسی) با 19 کرسی در رده های بعدی قرار گرفتند . احزاب کوچک توفیقی نداشتند اما در استان بریتیش کلمبیا از حوزه انتخابی " شمال سوری " یک نفر بعنوان کاندیدای مستقل ، انتخاب شد که قبلاً یکی از اعضای حزب محافظه کار بود .

در استان بریتیش کلمبیا (که ونکوور بزرگترین شهر آن محسوب میشود) نتایج انتخابات به شرح ذیل بود :

حزب محافظه کار 22 کرسی ، حزب لیبرال 8 کرسی ، حزب نیو دمکرات 5 کرسی و نیز یک نفر مستقل . در گذشته موفقیت محافظه کاران در این استان بیشتر بود ، از این رو انتخابات اخیراً باید یک موفقیت برای احزاب لیبرال و نیو دمکرات - در این استان - دانست . شکست " تد وایت " (کاندیدای حزب محافظه کار در ونکوور شمالی - منطقه اصلی سکونت ایرانیان -) که چند دوره متوالی نماینده مجلس بود و افراطی ترین عقاید راست از جمله دفاع از بازگشت حکم اعدام را نمایندگی میکرد ، یکی از نکات جالب این انتخابات بود که گفته میشود حضور ایرانیان در انتخابات ، عامل این شکست سنگین بوده است .

از لحاظ میزان آرای به صندوق ریخته شده نیز باید گفت که در مقیاس کل کانادا ، حدود 60 درصد واجدین شرایط (شهروندان بالای 18 سال) در انتخابات اخیر رای دادند که از میان آنها بیش از 36 درصد به حزب لیبرال ، بیش از 29 درصد به حزب محافظه کار ، بیش از 15 درصد به حزب نیو دمکرات و بیش از 12 درصد به بلوک کبک رای دادند . سایر احزاب و افراد مستقل نیز جمعاً حدود پنج و نیم درصد آرای شرکت کنندگان را بخود اختصاص دادند، که در میان آنها حزب سبز با بیش از 4 درصد آرا قرار دارد . حزب سبز در سال 2000 کمتر از نیم درصد آرای شرکت کنندگان را بدست آورده بود ، اکنون به گفته سایت اینترنتی سی.بی.سی ، این حزب میتواند از بودجه ای معادل 1.75 دلار در ازای هر رای برخوردار شود که امکان مهمی را برای گسترش فعالیت آن در سالهای آتی فراهم خواهد نمود . بیشترین آرای حزب سبز متعلق به دو استان غربی کانادا (آلبرتا و بریتیش کلمبیا) بود که در آنها بیش از 6 درصد مردم به سبزها رای دادند. رهبر این حزب ، پیش از برگزاری انتخابات ، از اینکه در مناظره تلویزیونی احزاب عمده شرکت داده نشده بود ، به شدت انتقاد کرده بود .

توجیه دولت و رسانه ها این بود که حزب سبز به دلیل فقدان کرسی در پارلمان ، یک حزب عمده محسوب نشده و نمیتواند از امتیازات احزاب پارلمانی بهره مند شود .

به هر رو، درسه دوره گذشته، حزب لیبرال توانسته بود با بدست آوردن اکثریت کرسیها، زمام امور را به تنهایی بدست گیرد، اما بدنبال اتحاد راست ها و نیز رسوایی حزب لیبرال در امر جمع آوری غیر قانونی کمک مالی و نیز ناتوانی " پال مارتین " رهبر جدید حزب لیبرال در سازماندهی یک کمپین انتخاباتی موفق، حزب لیبرال نتوانست اکثریت مطلق کرسیها را بدست آورد.

در چنین حالتی یا دولت اقلیت تشکیل می شود و یا دولت ائتلافی . در تاریخ معاصر آخرین دولت اقلیت، به سال 1979 تشکیل شده بود که "جو کلارک" (از حزب محافظه کار پیشرو) نخست وزیر آن بود، اما آن دولت بعد از چند ماه سقوط کرد. حزب جدید محافظه کار برای ائتلاف و یا کسب رای حمایتی، به هیچوجه نمی تواند روی حزب سوسیال دمکرت " ان. دی. پی " حساب کند. برای کسب

حمایت، بلوک کبکی ها نیز با دشواریهای زیادی روبروست. چرا که حزب استقفا هارپر(محافظه کار) به شدت انگلیسی و مخالف اعطای امتیازات ویژه به اقلیت ها است ، و در درون آن نیز حتی گرایشات راسیستی وجود دارد. با این همه برخی ناظران سیاسی ابراز عقیده می کنند که تسلط حزب انگلوفیل محافظه کار بر دولت، مردم کبک را هر چه بیشتر به ایده های استقلال طلبانه و جدائی خواهانه " بلوک فرانکوفون کبک " سوق میدهد و این نوعی کمک ناخواسته به آنهاست. ثانیاً حزب محافظه کار و بلوک کبکی ها بر سر یکی از مهمترین طرحهای اقتصادی- اجتماعی، موضع مشترکی دارند و آن این ایده ارتجاعی است که درآمدها و مالیاتهای جمع آوری شده از هر استان، عمدتاً باید به همان استان بر گردد. چیزی که هم حزب لیبرال و هم چپها با آن مخالفند و اعتقاد دارند که اجرای آن، نابرابری بین استانها ی کم درآمد و پر درآمد را افزایش خواهد داد. با این همه چون اجرای چنین سناریویی، سالانه سه میلیارد دلار به خزانه دولت ایالتی کبک خواهد افزود ، ناسیونالیستهای فرانکو فون به شدت از آن دفاع می کنند. به هر حال این سناریو قابل تحقق نیست و فرماندار کل کانادا راهی جز دعوت از حزب لیبرال برای تشکیل دولت اقلیت ندارد. با این همه این نکته گفتنی است که در تاریخ کانادا پس از جنگ جهانی دوم ، هیچ دولت اقلیتی نتوانسته بیخ از دوسال دوام آورد ، آخرین آن پس از شش ماه ، سقوط کرد . چرا که چنین دولتهایی برای تصویب هر لایحه ، نیاز به آرای حمایتی نمایندگان دیگر احزاب خواهند داشت و اگر نتوانند چنین حمایتی را جلب کنند ، بدل به یک " دولت مستعجل " خواهند شد و پارلمان در انفعال کامل فرو خواهد رفت . بویژه که رهبر حزب لیبرال خاطرنشان نموده که قصد ائتلاف با هیچ حزبی را ندارد ، چون تشکیل دولت ائتلافی مستلزم باج دادن به حزب دیگر ، از قبیل ورود چند نفر از آنها به کابینه و یا تحقق برخی مطالبات و پروژه های مورد علاقه آن حزب است .

به هر رو حزب لیبرال برای تصویب لایح در مجلس راهی جز برخورداری از حمایت 19 نماینده حزب نیو دمکرات در پارلمان را اضافه رای یک نماینده دیگر ندارد. چون هر لایحه برای تبدیل شدن به قانون نیازمند حداقل 155 رای مثبت است .

اکثریت مردم کانادا از اینکه حزب اولترا راست نتوانست پیروز شود خوشحالند، چون پیروزی محافظه کاران ، یک چرخش ارتجاعی را در صحنه سیاسی کانادا پدید میآورد. رهبران این حزب ، گرچه بطور موزبانه، بسیاری از مواضع خود را کتمان نموده و یا در هاله ای از ابهام نگه میدارند، اما دلیل وجود گرایشات اولترا راست، مرد سالارانه، هوموفوبیک(ضد حقوق همجنس گرایان)، ضد پناهنده گئی، و ضد بسیاری از دستاوردهای دولت رفاه و سیستم تأمین اجتماعی و یک ترمیدور منفی محسوب میگردد، بطوریکه فیلمساز معروف " مایکل مور " نیز چند روز پیش از انتخابات ابراز علاقه نموده بود که نمایش فیلم مستند و جنجالی او بنام فرانهایت 9/11 در کانادا ، موجبات شکست حزب محافظه کار را فراهم کند. حتی دوهفته پیش، جان کری (کاندید حزب دمکرات آمریکا برای انتخابات ریاست جمهوری) نیز به کانادا آمده بود و طی یک سخنرانی در تورنتو، غیر مستقیم و تلویحاً لیبرالها و سیاست خارجی آنها را ستوده بود .

لازم به تذکر است که در زمان شروع جنگ عراق، استقفا هارپر طی مقاله ای در روزنامه "وال استریت جورنال" به شدت موضع دولت لیبرال کانادا برای عدم مشارکت در جنگ رامورد انتقاد قرار داده بود و در آن دوره حزب آلانسیس، تظاهرات جنگ طلبانه ای را نیز در برابر پارلمان کانادا سازمان داده بود. حزب محافظه کار اگر چه از شدت آن مواضع بدلیل رویت باتلاق عراق کاسته است، اما پنهان نمی کند که در صورت بقدرت رسیدن، سالیانه یک میلیارد و دویست میلیون دلار بر بودجه نظامی کشور خواهد افزود و به خواست آمریکا برای مشارکت کانادا در طرح موسوم به " جنگ ستاره گان " نیز پاسخ مثبت خواهد داد. این حزب در حالی میخواهد بر بودجه نظامی بیفزاید که به شدت خواهان کاهش مالیات(عمدتاً ثروتمندان و کمپانیهای بزرگ) است. طبیعی ست که این کسری بودجه از طریق مالاندن بیشتر حقوق پایه ای مردم نظیر: حقوق بیکاری، حقوق ولفر(سوسیال)، درمان رایگان، مسکن ارزان دولتی برای فقرا و خصوصی سازی و حراج بسیاری از موسسات دولتی و

نتایج انتخابات

پیام اتحاد چپ کارگری ایران بمناسبت برگزاری پانزدهمین کنفرانس بین المللی سالنامه بنیاد پژوهش های زنان ایران

ملی تأمین خواهد شد، چرخش تندی که به هیچوجه اکثریت مردم کانادا، آنرا تحمل نخواهند نمود.

از دیگر مواضع ارتجاعی حزب محافظه کار جدید، میتوان به موارد زیر اشاره کرد:

مخالفت با حق ازدواج همجنس گرایان و حق سقط جنین برای زنان، کاهش میزان مهاجرت و گرایش دادن بیشتر آن بسوی ورود مهاجرین ثروتمند و متخصص، کاهش هر چه بیشتر پذیرش پناهنده گان سیاسی، دفاع برخی از اعضای آن به بازگشت حکم اعدام، مخالفت با مولتی کالچرالیزم و اعطای امتیازات به بومیان، اتخاذ یک سیاست خارجی متناسب با مواضع آمریکا در خاور میانه (که چشم پوشی از جنایات اسرائیل بر علیه مردم فلسطین، جزئی از آن خواهد بود)، پایبندی به " ارزشهای مسیحی"، دفاع از نظام دو پاره بهداشتی (به معنای خصوصی سازی بخشی از سیستم درمانی کشور نظیر آنچه در آمریکا وجود دارد) زیر گرفتن توافقنامه " کیوتو" (مربوط به حفظ محیط زیست و کاهش تولید گازهای خطرناک) و....

البته رهبران این حزب، تمام مواضع فوق الذکر را با همین صراحت طرح نمی کردند، چون در آستانه انتخابات از چرخش تند مردم واهمه داشتند. مثلاً در رابطه با حقوقی چون ازدواج همجنس گرایان و سقط جنین، اعلام میدارند که معتقد به " رأی آزاد" هستند یعنی هر نماینده این حزب در موقع طرح مسائل مذکور، میتواند رأی شخصی خود را داشته باشد و خود حزب موضع واحد و الزام آور برای کل فراکسیون، نخواهد داشت.

به همین خاطر برخی نظر سنجی ها، حکایت از آن داشت که بخشهایی از مردم، برای ممانعت از پیروزی محافظه کاران، خواستار ایجاد یک دولت ائتلافی از راست میانه (لیبرالها) و سوسیال دمکراتها(ان. دی. پی) بودند، اما " جک لیتون" (رهبر نیو دمکراتها) NDP بدرستی در منظره تلویزیونی خود با دیگر رهبران احزاب عمده، خاطر نشان نموده بود که مواضع کنونی اجتماعی و اقتصادی حزب لیبرال تفاوت بنیادی با مواضع حزب محافظه کار ندارد. اما واقعیت این است که خود " ان. دی. پی" نیز همچون همتهای خود در اروپا، نشان داده که وقتی قدرت را در برخی استانهای کانادا نظیر بریتیش کلمبیا بدست گرفته، بسیاری از وعده های خود را بفراموشی سپرده و نخست وزیران ایالتی آن یکی پس از دیگری، رسوایی مالی بدنبال آورده اند که سبب سلب اعتماد اکثریت زحمتکش جامعه و قدرت گیری مجدد راستها در آن استان ها گردیده است. متأسفانه چپ رادیکال نیز در کانادا به شدت ضعیف بوده و در بیشتر موارد به زانده نیو دمکرات ها تبدیل می شود. مثلاً حزب کمونیست در سراسرکانادا فقط دارای 500 عضو است. البته حزب کمونیست عمدتاً در غرب کانادا و حزب مارکسیست-لنینیست عمدتاً در شرق کانادا کاندیداهایی معرفی می کنند که معمولاً آرای آنها از چند صد عدد تجاوز نمی کند. به همین خاطر پایه توده ای متمایل به چپ، در هر انتخابات، راهی جز ریختن آرای خود به صندوق نیو دمکراتها و سبزها نمی بینند. مادام که نیروهای سوسیالیست و پیشرو در لاک فرقه ای خود گرفتارند و نمیتوانند از طریق متحد کردن صفوف خود، گامی برای سازماندهی آلترناتیو مستقل خود پیدا کنند، به نظر نمیرسد پایه طبقاتی چپ، قدرت فرا رفتن از تاکتیک " انتخاب میان بد و بدتر" را داشته باشد. در آمریکا سالهاست که تحت همین توجیه، مردم را ناگزیر از انتخاب میان " دمکراتها" و " جمهورخواهان" میکنند تا تسلط انحصارات بر هست و نیست مردم، عمری جاودانه داشته باشد!

در آستانه ی برگزاری کنفرانس بنیاد، اتحاد چپ کارگری ایران یکباردیگرمراتب خوشحالی و همبستگی اش را با کلیه ی فعالین جنبش های آزادیخواه، بویژه فعالین جنبش زنان کشورمان اعلام می دارد. پانزدهمین کنفرانس که امسال برمحور بررسی نقش اجتماعی دروند مدرنیته در ایران سازمانیافته است، بی تردید جایگاه مهمی در چالش فعلی جنبش کنونی برای بیداری و آگاهی فراگیر نسبت به نابرابری های جنسی در جامعه مان دارد. از یک قرن پیش که اولین جرقه های روشنگری در ایران زده شد تا به امروز، جامعه ما با وجود رشد فزاینده ی شهرنشینی و صنعت مدرن، و برستر ریشه های عمیق شریعت مدارک و نقش و دخالت دستگاه سیاسی با قوانین تبعیض گرش، هرروز بیش از پیش در قید و بند باور به ارزش های سنتی محصور مانده است. سوی دیگرواقعیت اما این است که تضاد و تناقضاتی که بر بسترعینی اجتماعی و طبقاتی وجود دارد تاثیرات اش را درکشاکش های ذهنی جامعه بازتابانده و کشمکش میان عنصرذهنی مدرن و سنتی را درهمه ی شئون زندگی اجتماعی تداوم بخشیده است. بهمین دلیل نیز جنبش زنان کشور، بمثابه یک جنبش قائم به ذات، نه جنبشی درخود، بلکه از پایه های تحولی عمومی برای تحقق یکی از اصیل ترین آرمانهای مدرن بشری سده های اخیرجهان است: آرمان تحقق حقوق برابر بین آحاد انسانی بدون تفاوت های جنسی و نژادی. چنین است که نسل ها پشت هم، اعم از زن یا مرد، یک پا در سنت و یک پا در مدرنیته درتجربه ی این چالش گریزناپذیرسهمیم اند. بهمین سبب نیز روشنگری ایران برای حل این تضادها ناچاربوده است راهکارهای متنوعی را پیشنهاد و تجربه نماید. ماحصل غیرقابل انکار این تلاش ها، هرچند در نمودهایی نطفه ای، اما بوضوح مشهود است. توجه به موضوعات اساسی بحث های بنیاد پژوهش های زنان طی پانزده کنفرانس شاهد آن است که بنیاد زنان بمثابه ای یک نهاد فراگیر مشغله های جامعه و ذهن روشنگری ایران را مسئله ی زنان کشورمی داند.

فرهنگ حاکم بر فعالیت بنیاد، عناصری قوی از مدرنیته را در بین صفوف زنان مبارز نهادی کرده و فعالیت مستمرش نشان از استحکام بنیه ی دستاوردهایش دارد. گفتگوی آزادانه و پویایی به پلورالیسم و ایجاد روحیه ی مشارکتی و خودسامانی، بیانگر استحکام عناصرمدرن و غلبه برعناصرزاداننده ی سنت درحوزه هایی است که فعالین واقعی جنبش های نوین اجتماعی دخالتگرش هستند. چنین دستاوردی بیش از هر چیز نشان از رشد آگاهی و بینش فعالین بنیاد دارد که احترام به حقوق فردی را هر روز بیش از گذشته تعمق بخشیده اند و در غنای آن کوشیده اند. همه این ها به رشد روحیه ی دمکراتیک و انسانگرایی کمک نموده است و جایگاه بنیاد پژوهش های زنان را درآئیه ی نهادهای پایه ای مدافع حقوق برابرزنان با مردان، تثبیت کرده است. اتحادچپ کارگری ایران، بعنوان طرف همکاری گرایشات چپ و کارگری و سوسیال فیمینیست که نقطه عزیمتش نقد نابرابری طبقاتی است و برای سازمانیابی فعالین جنبش های نوین وازپایین تلاش می کند، ضمن همبستگی با زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب کشورمان، برای پانزدهمین کنفرانس بین المللی سالنامه ی بنیاد پژوهش های زنان ایران آرزوی موفقیت دارد و فعالین خود را به همراهی و شرکت در تلاشهای بنیاد برای رشد و گسترش چالش های آینده فرا می خواند.

اخبار و گزارشات

داشت . بعلاوه برنامه موزیک نیز با همکاری آقای منصور تهرانی (سراینده سرود معروف " ای یار دبستانی ") به اجرا درخواهد آمد .

* گوتنبرگ

به همت کانون دفاع از آزادی بیان در ایران ، سمینار دو روزه ای در شنبه 2 جولای و یکشنبه 3 جولای از ساعت 11 صبح تا 6 عصر در گوتنبرگ سوئد برگزار شد که هدف از آن گرامیداشت سالگرد خیزش 18 تیر و بحث پیرامون مسائل ایران و جنبش بود . در این سمینار نمایندگان 11 حزب و نهاد از جمله راه کارگر ، کومه له ، حزب کمونیست کارگری ، حزب مشروطه ، حزب توده ، جبهه ملی و ... سخنرانی نموده و نقطه نظرات گرایش سیاسی خود را تشریح نمودند .

* مونترال

در آستانه اولین سالگرد مرگ زهرا کاظمی که تابستان گذشته در زندان اوین به قتل رسید، قرار است روز نهم جولای مراسم یادبودی برای بزرگداشت وی در مونترال برگزار شود. بنیاد زهرا کاظمی که همزمان با اولین سالگرد مرگ وی به ابتکار استفان هاشمی، تنها پسر زهرا کاظمی در مونترال آغاز به کار خواهد کرد، در بیانیه مطبوعاتی زیر عنوان "من به یاد، می آوردم" اعلام کرد: برای گرامی داشتن یاد و خاطره زهرا کاظمی و هنر او مراسم ویژه ای در روز نه جولای در مونترال برگزار خواهد شد. شهروزاد ارشدی، عکاس و نقاش ایرانی مقیم مونترال و مدیر برگزاری مراسم بزرگداشت زهرا کاظمی، در مصاحبه با رادیوفرادا می گوید که این برنامه در دانشگاه کنکوردیا اجرا خواهد شد و هنرمندان زیادی در آن شرکت خواهند داشت. وی می گوید که کار این بنیاد این خواهد بود که هر سال یک عکاس، خبرنگار و یک فیلمساز را بر اساس پروژه های ارائه شده انتخاب کند و بودجه ای را در اختیار اینها بگذارد که بتوانند پروژه شان را انجام دهند.

* تهران

به گزارش ایسنا، تعدادی از اعضای انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران صبح پنجشنبه برای کسب مجوز جهت برگزاری تجمع به مناسبت 18 تیر به استانداری تهران مراجعه کردند. "حسین باقری" دبیر تشکیلات و "سعید ریاطی" دبیر سیاسی و چند عضو دیگر این انجمن با حضور در استانداری، درخواست رسمی خود را به "فیضی" معاون مدیر کل سیاسی انتظامی استانداری تهران ارائه کردند.

فیضی در گفت‌وگو با اعضای انجمن ، عدم صدور مجوز برای تجمع در مقابل سردر دانشگاه تهران را یک ایده کلی دانست و گفت که هنوز در این باره تصمیم مشخصی گرفته نشده است و باید ضمن اظهار نظر کارشناسان، هماهنگی‌های لازم صورت گیرد. "سعید ریاطی"، دبیر سیاسی این انجمن گفت: قرار است استانداری جواب قطعی خود را صبح روز شنبه به ما ابلاغ کند. وی از وجود راهکارها و اولویت‌های بعدی انجمن اسلامی دانشگاه تهران خبر داد و گفت: در صورت صادر نشدن مجوز برای این تجمع، برنامه‌های جایگزین بعدی خود را طرح خواهیم کرد.

همچنین "حسین باقری"، دبیر تشکیلات انجمن اسلامی دانشگاه تهران، با بیان این که دانشگاه تهران و دانشجویان آن در فاجعه 18 تیر ماه متحمل هزینه‌های آن شده‌اند گفت: درخواست ما از مسوولان استانداری تهران این است که موافقت خود را اعلام کنند، چون اگر دانشجویان دانشگاه تهران متولی این امر نباشند، خارج از دانشگاه، متولی این امر خواهد شد. "رضا زمانی"، عضو شورای مرکزی انجمن اسلامی دانشگاه تهران، نیز به ایسنا گفت که نباید بگذاریم که این مساله کهنه‌تر شود، جنبش دانشجویی به دنبال احقاق حق ضایع شده‌ی دانشجویان است.

لازم به تذکر است که هفته گذشته نیز جبهه متحد دانشجویی و جبهه دمکراتیک (جریان آقای طبرزدی) با انتشار فراخوانی در سطح رسانه های اینترنتی ، زمان و مکان تظاهرات 18 تیر را در شهرهای تهران ، مشهد و اصفهان اعلام داشته بود .

* برلین

پانزدهمین کنفرانس سالانه " بنیاد پژوهشهای زنان ایران " که هر ساله در یک کشور برگزار میشود ، امسال طی روزهای 2 تا 4 ژوئیه در برلین آلمان برپا شد . تم اصلی کنفرانس امسال : " نقش اجتماعی جنسیت در روند مدرنیته در ایران " بود . در روز اول کنفرانس ، دو سخنرانی انجام شد . سخنران اول ، خانم " کریستینا تورمر" بود که پیرامون جنبش زنان آلمان صحبت کرد . سخنران دوم ، خانم " نازیک احمد " بود که در مورد موقعیت کنونی زنان در عراق سخن گفت . در همین روز چند برنامه هنری نیز اجرا شد که شامل : رقص ماندانا علوی کیا از اتریش ، فیلم کوتاه " بازگشت " (در مورد زنده یاد زهرا کاظمی) ساخته " آرمان نجم " از آلمان ، فیلم " زهره و منوجهر " ساخته میترا فراهانی از فرانسه و برپایی نمایشگاه عکس و نقاشی بود . در بخشی از برنامه نیز از خانم هما ناطق (مورخ معاصر) تجلیل شد .

در روز دوم کنفرانس ، ابتدا پیام بنیاد توسط خانم گلناز امین از آمریکا قرائت شد و سپس چند سخنرانی به شرح زیر انجام شد :
1- خانم فروغ نیری تمیمی از هلند پیرامون " نقش جنسیت در روند مدرنیته در ایران " 2- خانم ژانت باور از آمریکا پیرامون " فمینیسم لوجه دار شده و سو برداشتها ... " 3- خانم رویا طلوعی از ایران پیرامون " مدرنیته در ایران و رویکردها ... " 4- خانم سوسن رخس از نروژ پیرامون " جنبش زنان و نزاع بین مذهب و مدرنیته " . در همین روز چند برنامه هنری نیز توسط هنرمندان ایرانی و آلمانی اجرا شد.

در روز آخر کنفرانس نیز خانم نسترن موسوی از ایران ، پیرامون " بازتاب مناسبات جنسیتی در ادبیات داستانی ... " سخنرانی نمود ، سپس خانم شهلا شفیق از فرانسه در مورد " زنان ، فردیت و تحول مدرن " صحبت نمود .

آنگاه میز گرد نسل دوم با حضور آتوسا ، مهرنوش ، آزاده ، نارین ، شفق و رها برگزار گردید . پایان بخش برنامه های کنفرانس نیز ، ارائه جمع بندی و سپس برپایی جشن و سور بود .

* ونکوور

به مناسبت پنجمین سالروز قیام 18 تیر و اولین سالگرد قتل زهرا کاظمی (خبرنگار ایرانی - کانادایی) تظاهرات و میتینگ در روز 7 جولای در خیابانهای مرکزی این شهر برگزار میشود که در آن موريس کاپیتون (نماینده اسبق سازمان ملل در امور حقوق بشر ایران) لیلی پورزند (دختر سیامک پورزند - زندانی سیاسی) و بهمن کلباسی (دانشجوی هم‌رزم احمد باطنی) سخنرانی خواهند نمود . این مراسم شامل برنامه هنری ، قرائت پیام برگزارکنندگان و قطعنامه پایانی راهپیمایی نیز خواهد بود . سازماندهی این مراسم را نهادهای زیر برعهده دارند: سازمان ایرانیان غرب کانادا - اتحاد فدائیان خلق - حزب دمکرات کردستان ایران - راه کارگر - حزب توده - جمعی از فعالین مستقل و نماینده عفو بین الملل در ونکوور (فرهاد صوفی)

* پاریس

به همت انجمن دفاع از زندانیان سیاسی و عقیده تی ایران در فرانسه ، قرار است به مناسبت سالگرد هیجده تیر و با هدف حمایت از دانشجویان و مبارزین زندانی ، تظاهراتی در ساعت هشت عصر پنجشنبه 8 ژوئیه در میدان " اودون " پاریس برگزار شود .

* استکهلم

به دعوت کمیته دفاع از دانشجویان ایران ، مراسمی در ساعت 5 بعد از ظهر روز جمعه 9 ژوئیه در استکهلم برگزار میشود که در آن غلامرضا مهاجری نژاد (از سازماندهندگان خیزش 18 تیر در ایران) و مهرداد درویش پور (استاد دانشگاه) سخنرانی خواهند نمود . در این مراسم ، نمایندگان احزاب پارلمانی سوئد نیز حضور خواهند